

دوزبانگی و نقش آن در عملکرد تحصیلی دانش آموزان دوره ابتدایی

زینب نصیری زرنندی^۱، نگین علی اکبری^۲

۱- کارشناس علوم تربیتی، آموزگار شاغل منطقه ی افشار استان زنجان

۲- کارشناس علوم تربیتی، آموزگار شاغل منطقه ی افشار استان زنجان

چکیده

زبان می تواند زمینه ساز پیشرفت، انسجام آموخته ها و مشارکت علمی و عملی در دانش آموزان باشد. این موضوع از جنبه های مختلفی قابل بررسی است. با توجه به وجود زبان ها و گویش ها و لهجه های متفاوت در کشور ایران، بر آن شدیم که به موضوع دوزبانگی در این مقاله بپردازیم. این پدیده ارتباط مستقیمی با قدرت خلاقیت، تبیین قیاسی، مقوله بندی تحلیل و پردازش و تفسیر کودکان دارد. حفظ زبان اصلی (مادری) نزد کودکان دوزبانه می تواند نقش مهمی در زندگی اجتماعی علمی و فردی آن ها داشته باشد. لذا ضروری است تا معلمانی که با کودکان دوزبانه کار می کنند درک بهتری نسبت به نقش اساسی و عملکرد زبان اصلی نزد شاگردان دوزبانه داشته باشند. شناخت پدیده دوزبانگی و اثرات مثبت و منفی آن بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان و رفع تنگناهای احتمالی ناشی از این پدیده، هدف مهم این مقاله است. در این مقاله به بررسی نقش دوزبانگی در دانش آموزان دوره ابتدایی در فرآیند تحصیلی آن ها و بیان چالش ها و ویژگی های یادگیری این نوع دانش آموزان و سپس به نتیجه گیری و ارائه راهکار پرداخته شده است. روش پژوهش در این مقاله شیوه کتابخانه ای است و از کتاب ها و مقاله ها و سایر وسایل ارتباطی جهت جمع آوری اطلاعات استفاده گردیده است. به امید آن که مورد استفاده همکاران محترم قرار گیرد.

واژه های کلیدی: زبان، دوزبانگی، دانش آموزان ابتدایی، پیشرفت تحصیلی

۱. مقدمه

در جهان امروز آموزش و پرورش رکن اساسی رشد و شکوفایی ملت‌ها است و باید برای همه آحاد ملت شرایط یکسان فراهم آورد تا هرکس به مقتضای استعداد و توانایی خود ویژگی‌های ارزنده نهفته در درون خود را آشکار سازد. از طرف دیگر در هر کشوری وحدت ملی، هویت دینی، اجتماعی، حفظ میراث فرهنگی و امکان تبادل نظر اقشار مختلف یک ملت با هر قومیت ایجاب می‌نماید که ارتباط افراد ملت با یکدیگر صمیمانه‌تر گردد. مسلماً زبان مشترک اولین گام در جهت ایجاد این وحدت می‌باشد. به همین دلیل است که همه کشورها به منظور حفظ صیانت ملی خود در قانون اساسی کشورهایشان زبانی را به عنوان زبان رسمی معرفی می‌کنند.

در کشور ما تعداد زیادی از دانش‌آموزان با تسلط به زبان قومی و مادری شان و با آشنایی اندک به زبان فارسی، وارد دبستان می‌شوند. با این شرایط وجود اختلالات آموزشی اجتناب‌ناپذیر است. زیرا زبان، یعنی ابزار و شرط اصلی آموزش در این جا به سدی بدل شده است که خود به عنوان مانع آموزش و انتقال اطلاعات عمل می‌کند و گاهی عامل مشکلات عاطفی و روانی تعداد زیادی از دانش‌آموزان غیر فارسی زبان می‌شود. دوزبانگی در فرایند یادگیری امر بسیار تاثیر گذاری است. مطالعات صورت گرفته در این زمینه نشان داده است که گاهی اوقات دوزبانگی باعث تسهیل یادگیری و در مواردی باعث افت و کاهش عملکرد دانش‌آموزان و ایجاد مشکلات درسی می‌شود. این تاثیر در دوران اولیه تحصیل بیشتر مورد توجه است چرا که اغلب دانش‌آموزان دوزبانه به دلیل تفاوت زبان دوم با زبان اصلی که بدان تکلم می‌کرده‌اند، دچار دوزبانگی زبانی شده و ممکن است مطالب ارائه شده به زبان دوم را درک نکرده و دچار مشکلات تحصیلی شوند. اگر آموزگاران و کادر آموزشی و اجرایی مدارس ابتدایی مناطق دوزبانه راه و روش مدونی مبتنی بر حقایق زبانی و اصول یادگیری و تدریس زبان دوم در پیش گیرند، مسلماً ضریب موفقیت برنامه‌های دبستانی در مناطق غیر فارسی زبان افزایش خواهد یافت و از وضعیت افت تحصیلی شدید فعلی در مناطق مذکور در مقطع ابتدایی به نحو چشمگیری کاسته خواهد شد. در این مقاله پس از بیان تعاریف مهم به تاثیر دوزبانه بودن در عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان می‌پردازیم و در نهایت با ارائه راهکارها و پیشنهادها در جهت کاهش اثرات سو این امر در مدارس دوزبانه تلاش خواهیم نمود.

۲. دوزبانگی

دوزبانگی^۱ تفاوت میان زبان مادری و زبان آموزش است. از این نظر کودک دو زبانه کودکی است که در خانواده تک زبانه بزرگ شده و هنگام شروع مدرسه با زبان دومی روبرو شود که زبان آموزش است و ممکن است زبان جامعه‌ای نیز باشد که در آن زندگی می‌کند. از آنچه که گذشت می‌توان نتیجه گرفت که تفاوت زبان آموزش و زبان مادری اساس تشکیل پدیده دوزبانگی می‌باشد. دوزبانگی را با توجه به معیارهای زیر تقسیم بندی می‌کنند:

۱. نوع یادگیری (دوزبانگی طبیعی، دوزبانگی غیرطبیعی): چنانچه شخص دو زبانه از طریق غیر از آموزش دو زبانه شود، چنین حالتی را دوزبانگی طبیعی می‌نامند. این موقعیت در جوامعی رخ می‌دهد که دو یا چند زبان و گویش در آن‌ها رایج است. به طور طبیعی افراد چنین جامعه‌ای برای ایجاد ارتباط با افراد خانواده و گویش ترکی آذری و برای ارتباط با دوستان و همکاران زبان فارسی را می‌آموزند. اما اگر شخصی زبانی غیر از زبان مادری خود را از طریق برنامه‌های آموزشی یاد بگیرد این حالت را دوزبانگی غیرطبیعی می‌نامیم این حالت برخلاف دوزبانگی طبیعی ارادی است چرا که یادگیری زبان آگاهانه انجام می‌گیرد.

۲. میزان تسلط بر دو زبان (دوزبانگی هم‌پایه، دوزبانگی ناهم‌پایه):

^۱ Bilingualism

در دو زبانی هم پایه شخص در هر دو زبان در تمام ابعادش تسلطی تقریباً یکسان دارد در حالی که در دوزبانی ناهم پایه گرچه هر دو زبان را می داند اما تنها بر یکی از آنها تسلط کامل دارد.

۳. نقش اجتماعی زبان (دوزبانی خانگی، دوزبانی مدرسه ای، دوزبانی خیابانی):

براین اساس به لحاظ ازدواج با فردی که دارای زبان دیگری است شخص در خانه به زبان دوم و در محیط های دیگر به زبان اول تکلم می کند. بنابراین دارای ویژگی دوزبانی است. گاهی ممکن است دو زبانی مدرسه ای باشد و فرد از زبان دوم فقط در مدرسه و برای آموزش و یادگیری استفاده کند. دو زبانی خیابانی نیز هنگامی رخ می دهد که زبان دوم فقط در کوچه و بازار و خارج از منزل کاربرد دارد و شخص در میان خانواده از آنها استفاده نمی کنند. مثل ترکی زبانان یا ارمنی های ساکن تهران.

۴. گونه های زبان (دوزبانی شفاهی، دو زبانی کتبی، دوزبانی کامل):

اگر شخص فقط به گونه شفاهی زبان دوم مسلط باشد و تنها از دو مهارت گفتن و شنیدن استفاده کند، دوزبانی شفاهی بروز می کند. بر عکس اگر فردی فقط از گونه مکتوب زبان دوم یعنی خواندن و نوشتن سود ببرد، دوزبانی کتبی رخ می دهد. در حالت سوم اگر شخص هم به گونه شفاهی و هم بگونه مکتوب زبان مسلط باشد، یعنی از هر چهار مهارت گفتن، شنیدن، خواندن و نوشتن در هر دو زبان استفاده کنند، دوزبانی کامل خواهیم داشت. (زند، ۱۳۹۳).

۳. اثرات دوزبانی

بین پژوهشگران و متخصصین تعلیم و تربیت در مورد اثرات دوزبانی روی کودکان تاکنون بحث های فراوانی وجود داشته است. بعضی معتقدند که دوزبانی اثرات منفی بر پیشرفت زبان، اهداف تربیتی، رشد شناختی و هوش می گذارد و بعضی دیگر بر این باورند که دو زبانی دارای اثرات مثبت است و کودک نه تنها در مدرسه دارای پیشرفت است بلکه همچنین دارای قابلیت شناختی و قدرت ابتکار بالایی می باشد.

• اثرات مثبت:

کارلسون و ملتزوف (۲۰۰۸) معتقدند کودکان دوزبانه باید دائماً از یک دیدگاه به دنیا اجتناب کنند تا دیگری را فعال کنند و این تمرین دائمی در تغییر بین نمادها در مغز انعطاف پذیری را در ذهن این کودکان افزایش می دهد. لئوپولد (۱۹۳۹) در پژوهش های خود به این نتیجه می رسد که کودک دوزبانه از موهبت خاصی برخوردار می شود و بر این باور است که کودک دوزبانه که برای هر شیئی دو واژه می شنود وادار می گردد تا به محتوی و معنی واژه بیشتر از صورت آن توجه کند. او می گوید در دوزبانی مزیتی را می بینم که کودک را به جای گفتار طوطی وار به اندیشیدن وادار می دارد. سیگوان و مک لی معتقدند که چون فرد دوزبانه از دو زبان سود می جوید و در نتیجه دو ابزار ذهنی در اختیار دارد، لذا از دوزبانه بودن، ازدیاد توانایی بالقوه در فرد به ذهن متبادر می شود. نتایج تحقیق روزنبرگ (۱۹۹۶) حاکی از آن است که دانش آموزان دوزبانه در آزمون های هوشی نسبت به دانش آموزان تک زبانه عملکرد بهتری داشتند. می توان علت برتری عملکرد شناختی دانش آموزان دوزبانه را ناشی از رشد تفکر واگرا، خلاقیت، ایده پردازی، پردازش اطلاعات و ذهن سیال آنها دانست.

دوزبانی ارتباط مستقیمی با قدرت خلاقیت تبیین قیاسی مقوله بندی تحلیل پردازش و تفسیر کودکان دارد. یادگیری زبان دوم و دوزبانی همتراز و متوازن تاثیر مثبتی بر رشد شناختی کودکان دارد و دوزبانی باعث رشد ذهنی تقویت حافظه، انعطاف، تفکر و توانایی درک بهتر چند وجهی و چند سطحی در کودکان شده و آنها را از تفکر خطی به سمت تفکر خلاق و غیرخطی هدایت می کند.

کومینز (۱۹۹۱) بیان کرده است که عوامل شناختی نقش کلیدی در محاوره و موفقیت های زبانی دارد. او همچنین اظهار کرده است که عوامل فردی همچون انگیزش، بیان، فرآیند کسب زبان، نحوه برخورد زبانها و فرایند تفکر می توانند در رشد شناختی دوزبانگی تاثیر گذار باشند. البته تنها زمانی دوزبانگی بر توانمندی شناختی تاثیر مثبت خواهد گذاشت که دو زبانه در زبان دوم به سطح مشخصی از رشد زبانی رسیده باشد.

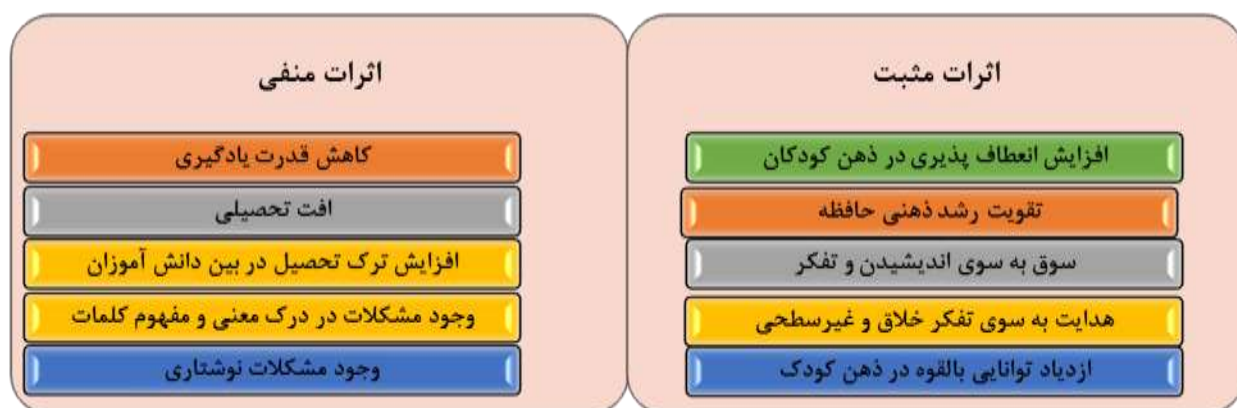
• اثرات منفی:

دیولی و بورت در پژوهشی که در سال ۱۹۷۲ انجام دادند پس از بررسی و طبقه بندی انواع تداخل در رفتار زبانی کودکان دوزبانه، آن ها را با اشتباه های کودکان یک زبانه در جریان فراگیری زبان مادری مقایسه کردند و اثرات منفی آن را در کودکان دوزبانه گزارش دادند. جرز پرنز (۱۹۲۲) معتقد است که کوشش کودک برای تسلط دو زبان به جای یک زبان به طور حتم باعث کاهش قدرت او در یادگیری چیزهای دیگری خواهد شد که می بایست فراگرفته شوند.

در تحقیقات انجام شده در ایران نیز به اثرات منفی پدیده دوزبانگی روی پیشرفت تحصیلی دانش آموزان اشاره شده است.

- ۱- دانش آموزان دوزبانه در مورد درک معنی و مفهوم کلمات مشکلات یادگیری فراوان داشته اند.
- ۲- در نوشتن شکل چایی کلمات دارای مشکلات فراوان بوده اند.
- ۳- میزان افت تحصیلی دو زبانه ها از افراد عادی بیشتر بوده است.
- ۴- دوزبانه ها در دروس قرائت فارسی و املا افت بیشتری داشته اند.
- ۵- میزان ترک تحصیل دانش آموزان دوزبانه از دیگران بیشتر بوده است.
- ۶- مشکلات نوشتاری دانش آموزان دوزبانه خصوصا در دوران اولیه تحصیل از دانش آموزان عادی بیشتر بوده است.

اثرات دوزبانگی



نمودار ۱ اثرات مثبت و منفی دوزبانگی

پدیده دوزبانگی به عوامل متفاوتی بستگی دارد که پژوهشگران معمولا آن را به عنوان پدیده ای چندعاملی تلقی می کنند. مهم ترین این عوامل عبارت اند از:

- ۱- عوامل فردی مانند: توانایی های فردی، سن، انگیزه های فرد.
- ۲- عوامل آموزشی مانند کیفیت و روش آموزش.
- ۳- عوامل اجتماعی-فرهنگی مانند: وابستگی به زبان مادری، شرایط فرهنگی، موقعیت و ارزش اجتماعی زبان دوم.

هیچ یک از عوامل یاد شده در دوزبانگی به تنهایی نقش اساسی ندارند بلکه مجموعه این عوامل با تاثیر متقابلی که بر یکدیگر دارند، در تعیین کمیت و کیفیت دو زبانی و پیامدهای مربوطه موثر هستند.

۵. وضعیت تحصیلی دانش آموزان دوزبانه

مشکلات ارتباطی کودکان دوزبانه خود را عمدتاً در دروسی نشان می دهد که مرتبط با زبان هستند. طبق تحقیقات به عمل آمده میانگین نمرات دانش آموزان دوزبانه در درس املا، فارسی و علوم کمتر از دانش آموزان یک زبانه است. اما در درس ریاضی بین دو گروه دانش آموزان تک زبانه و دوزبانه تفاوت معنی داری وجود ندارد. برتری آزمودنی های تک زبانه در آزمون های پیشرفت تحصیلی، نشان دهنده این واقعیت است که این مشکلات ناشی از عدم فهم مطالب ارائه شده از سوی معلمان است. در مورد توانایی های کودکان غیر فارسی زبان در زبان فارسی و میزان درک مطلب خواندن فارسی در آغاز ورود به نظام آموزشی، پژوهش ها نشان می دهد که سطح زبان بیانی و دریافتی دوزبانه ها نسبت به تک زبانه ها به صورت معنی داری در سطح پایین تری است.

در محدوده جغرافیایی کشورمان اقوام گوناگون با آداب و رسوم و گویشهای متفاوت در جوامع شهری و روستایی زندگی می کنند، کودکان شش ساله که هر کدام برخاسته از این بافت های فرهنگی هستند، همراه با ویژگی های شخصیتی منحصر به فرد خود وارد مدرسه می شوند. به طور کلی کودکان این مرز و بوم را هنگام ورود به مدرسه و در مواجهه با زبان آموزشی می توان به سه دسته تقسیم کرد:

کودکان فارسی زبان: این کودکان به هسته اصلی زبان فارسی آشنا هستند، پدیده های اطراف خود را با اصوات و کلمات فارسی می فهمند و منظور و احساس خود را به صورت گفتاری بیان می کنند. چنین کودکانی در مدرسه روند طبیعی زبان آموزی را طی می کنند.

کودکانی که دارای لهجه خاصی هستند: این دسته را می توان به دو طبقه تقسیم کرد: طبقه ای که در گفتار محلی آنها بیشتر تفاوت های آوایی و تلفظی با زبان فارسی وجود دارد و طبقه دیگر که علاوه بر آن، تفاوت هایی بین آن گویش و زبان فارسی دیده می شود، مانند گویش بوشهری و بسیاری از گویش های رایج در ایران. این کودکان، اگرچه در شروع سال تحصیلی پایه اول، با زبان آموزشی سردرگم می شوند و مفاهیم مندرج در برنامه های درسی برای آنها دیرفهم است، ولی با تلاش معلم بعد از مدتی این مشکل برطرف شده، خود را با برنامه های درسی سازگار می کنند.

دسته سوم کودکانی را دربر می گیرد که گویش غیر فارسی دارند: این دسته را نیز می توان در دو طبقه جای داد: طبقه ای که گویش آنها با زبان فارسی معیار تفاوت دارد و برخی اوقات این گویش برای فارسی زبانان قابل فهم نیست مانند گویش بلوچی. این کودکان در هنگام ورود به مدرسه اگرچه در مواجهه شدن با برنامه های درسی زبان آموزشی را به راحتی متوجه نمی شوند، در صورت طراحی مناسب فعالیت های آموزشی و تلاش معلم، بالاخره بعد از مدتی می توانند خود را با برنامه درسی سازگار کنند.

طبقه دیگر از دسته سوم را کودکانی تشکیل می دهند که دارای گویش ترکی و ترکمنی هستند. این کودکان بر اساس محل سکونت (شهر یا روستا)، دسترسی به تلویزیون و رادیو و سطح سواد والدین، میزان آشنایی متفاوتی از زبان فارسی خواهند داشت.

هرچند که در همه دسته های نام برده در امر آموزش و پرورش کودکان، دشواری هایی وجود دارد، شدت و ضعف این دشواری ها به تناسب تفاوت زبان آنها با زبان فارسی، سطح فرهنگی اجتماعی و اقتصادی آنها، گذراندن یا نگذراندن دوره پیش دبستانی

کودکان فرق دارد می توان گفت که عمق فاجعه، در بین دانش آموزان روستایی ناآشنا به زبان فارسی است، به ویژه آن دسته از دانش آموزانی که ساختمان زبان مادری آنها از نظر آوایی، واژگانی و نحوی با زبان فارسی متفاوت است. چنین کودکی، باید آموخته های دیروز خود را با کلمه ها و ساخت های گونه ای دیگر از زبان جایگزین کند. آنچه از نقش کارکردهای فعلی و به طور کلی ساختار زبانی در ذهن او نقش بسته، باید دگرگون شود؛ زیرا ساختمان زبانی موجود در ذهن کودک، با ساختار زبانی مدرسه تفاوت زیادی دارد.

۶. دوزبانگی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان

دوزبانگی که امروزه در همه جوامع قابل مشاهده می باشد، به خودی خود نمی تواند علت موفقیت و یا شکست در فرایند آموزشی و در ادامه در کسب پایگاه های ارزشمند اجتماعی باشد بلکه شرایطی که دوزبانگی در آن اتفاق می افتد و زبان رسمی آموزش داده می شود بسیار مهم است و می تواند موفقیت و یا شکست افراد را در زندگی تحصیلی، فردی و اجتماعی شان رقم بزند. در کشور ما تعداد زیادی از دانش آموزان با تسلط به زبان مادریشان و با آشنایی اندک به زبان فارسی، وارد دبستان می شوند و با وجود این که وضعیت زبانی یکسانی ندارند و تسلط آنان به فارسی به یک اندازه نیست، اما نظام آموزشی ما با همه این کودکان برخورد زبانی واحدی داشته است و همه آنان را فارسی زبان می داند و این مسئله موجب بروز مشکلاتی در آموزش و یادگیری این کودکان شده - است. (احتشامی و موسوی، ۱۳۸۸)

دانش آموزان غیر فارسی زبان در بدو ورود به مدرسه، زبان مادری خود را که در یک فرآیند پیچیده و در ارتباط مستقیم با محیط پیرامون خود قرار گرفته اند، در برنامه درسی پیدا نمی کنند. چون سازماندهی محتوا و انتقال برنامه درسی به دانش آموزان بر پایه زبان فارسی است که با مفاهیمی که بر اساس تجارب قبلی دانش آموز، به زبان مادری، حاصل گردیده است و برای او بار عاطفی دارد، پیوند ندارد. بر اساس تحقیقات انجام یافته بر روی افرادی که تجربه دوزبانگی را در محیط آموزشی داشته اند به نظر می رسد تجربه دو زبانی در آنان همراه با تجربه ترس بوده است. این دانش آموزان پیش از ورود به مدرسه بر اساس آنچه سایر کودکان از مدرسه و تنبیه می گفتند، از ورود به مدرسه می ترسیدند علت اکثر این تنبیه ها نیز ضعف آنان در زبان فارسی و به تبع آن ضعف در سایر دروس بوده است، که به این زبان آموزش داده می شده است. بر اثر این تجارب تلخ در نهایت اکثر این دانش آموزان بعد از دوران ابتدایی دیگر تمایلی به ادامه تحصیل نداشتند و اگر این کار را هم انجام می دادند به دلیل ضعف در آموخته های پیشین، در روند آموزشی همچنان دچار مشکل بودند. بنابراین نظام آموزشی که مبلغ برابری و مساوات در بین اعضای جامعه است باعث شکل گیری یک شرایط نابرابر و دشوار برای برخی از اعضایش می شود. از آنجایی که دوزبانگی عموماً یک اجبار تحمیل شده بر افراد است و انتخاب آنها نیست، بنابراین باید فرایند آموزش را با رابطه درست بین معلم و شاگردان تبدیل به یک تجربه مثبت کرد در غیر این صورت شکافی که بین ناتوانی زبانی و موفقیت تحصیلی اتفاق می افتد، باعث می شود که بعد ها در حوزه روابط رسمی، اداری و شغلی نیز این افراد موفقیت چندانی را تجربه نکنند. (پرچمی و جلالی، ۱۳۹۶)

نتایج کنفرانس لوکزامبورگ بیانگر این امر بود که آموزش به زبانی غیر از زبان مادری، به رشد ذهنی و حتی رشد شخصیت کودک آسیب می رساند. یونسکو نیز بارها و با قاطعیت نیاز به ارتقای آموزش به زبان مادری و همچنین حق کودک را برای برخورداری از آموزش، قطع نظر از زبان او تاکید کرده است. در مطالعه ای از زبان محاوره ای خانواده به عنوان یک متغیر برای پیش بینی پیشرفت تحصیلی دانش آموزان استفاده شد. نتایج این مطالعه نشان داد که زبان محاوره ای خانواده بیشترین ارتباط را با عملکرد تحصیلی دانش آموزان داشت.

به طور کلی می توان گفت کودکانی که با یک مبنای محکم زبانی و دانش زبان مادری خود به مدرسه می آیند، توانایی ها و استعداد های بالاتری از لحاظ آموزش زبان رایج و آموزشی مدرسه از خود نشان میدهند، اگر این کودکان بتوانند گنجینه لغات و مفاهیم را در زبان مادری خود گسترش دهند آمادگی بهتری در مدرسه از خود نشان میدهند. اطلاعات و توانایی های بچه ها، می توانند بین زبان ها منتقل و جابه جا شوند بدین معنی که آنچه آنها در زبان مادری در منزل و خارج از مدرسه آموخته اند به زبان آموزشی منتقل سازند. (خدیوی، ۱۳۸۸)

۷. بحث و نتیجه گیری

تجربه کشورهای مختلف نشان می دهد که پیامد های منفی دوزبانگی، هنگامی بروز می کند که زبان مادری وسیله محاوره در خانه و جامعه است اما جایی در نظام رسمی آموزش ندارد. بنابراین ضروری به نظر می رسد که چنین کودکانی قبل از شروع رسمی تحصیل در کلاس اول دبستان، برای جبران تفاوت های زبانی خود با سایر دانش آموزان، آموزش هایی را در ارتباط با زبان و ارتباط اجتماعی در محیط مدرسه ببینند. در شرایطی که زبان مادری به نحوی در نظام آموزشی راه یافته باشد، فرد دوزبانه از اعتماد به نفس و احساس توانایی بیشتری برخوردار خواهد شد. همچنین اگر کودکی دو زبان را با هم یاد بگیرد و در هر دو زبان به موازات هم از مراحل موثر در یادگیری زبان بگذرد، مساله ای ایجاد نمی شود و متناسب با توانایی ذهنی و آموزش هایی که به او داده می شود در هر دو زبان به تبحر نسبی دست می یابد. در چنین وضعیتی هر یک از زبان ها به غنی سازی زبان دیگر کمک می کند و تبحر به دست آمده در یک زبان، طبق اصل انتقال و تعمیم به زبان دیگر هم منتقل می شود. دانش آموزان دو زبانه، چنانچه به آنها به طور جدی و موثر زبان مادری آموزش داده شود و به ویژه توانایی های آنها در امر خواندن متن در زبان مادری تقویت کردند، در مدرسه موفق تر از بچه های یک زبانه خواهند بود، اما اگر آنها مجبور شوند زبان مادری خود را به عقب برانند و رشد این زبان به این دلیل دچار وقفه و اختلال شود زیربنای ادراکی و فردی آموزش آنها نابود می گردد. در نهایت پیشنهاد های زیر جهت استفاده ی همکاران ارائه می گردد:

۱- تبیین هدف ها برای دانش آموز دوزبانه توسط مربیان، به گونه ای که با زمینه فرهنگی وی متناسب و قابل کشف و درک باشد، تاثیر بسزایی در یادگیری دارد.

۲- مشخص کردن حوزه های مشکل زا در سطوح مختلف آموزشی برای زبان آموزان و ارائه راهکارهایی برای رفع این حوزه های مشکل ساز به وسیله متخصصان و افراد درگیر در امر آموزش زبان.

۳- توجه مولفان کتب درسی به خطاهای زبان آموزان و درجه بندی مطالب درسی بر اساس بسامد این خطاها، تا به این شکل وقت بیشتری برای مقوله های با درجه دشواری بالا اختصاص یابد.

۴- برنامه های آموزش باید با زبان آن دسته از کودکان که متفاوت از زبان معیار است همراه باشد تا هم تمام کودکان با این زبان آشنا شوند و هم در آموزش زبان معیار، به کودکان دوزبانه کمک بیشتری شود.

۵- در برنامه های آموزشی می توان از کودکان دوزبانه خواست تا متنی را با استفاده از زبان مادری و زبان دوم تهیه و در کلاس ارائه دهند به این ترتیب خزانه لغات آنان افزایش یافته و فرایند یادگیری بهبود می یابد.

۸. منابع

۱. زندی، بهمن (۱۳۹۳). زبان آموزی. تهران: نشر سمت، چاپ سیزدهم
۲. موسوی، سید غفار؛ احتشامی، طیبه (۱۳۸۸). رشد زبان و رشد ذهنی موثر بر تعامل اجتماعی. ماهنامه پژوهشی آموزشی، شماره ۱۱۹.
۳. پرچی، داود؛ جلالی، فاطمه (۱۳۹۶). تجربه دوزبانه ها از فرایند یادگیری و پیشرفت تحصیلی در مدرسه.
۴. خدیوی، اسداله (۱۳۸۸). دوزبانگی: مفاهیم، تمایزات و امتیازات شناختی. ماهنامه پژوهشی آموزشی، شماره ۱۱۹.
۵. طباطبایی، سیدمصطفی (۱۳۹۲). روانشناسی زبان با تاکید بر زبان فارسی. تهران: نشر لوح زرین، چاپ اول

۱-Baker, Colin; Wright, Wayne E (۲۰۱۷). Foundations of Bilingual Education and Bilingualism. Sixth Edition

۲-Markova, Ivana (۲۰۱۷). Effects of Academic and Non-Academic Instructional Approaches on Preschool English Language Learners' Classroom Engagement and English Language Development. Journal of Early Childhood Research, v۱۵ n۴ p۳۳۹-۳۵۸